

مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت‌های فکری از منظر حقوق افغانستان

سید حسن مبارز^۱

چکیده

نظریه پردازی و ابتکار در عرصه تفکر و اندیشه ورزی از ویژگی‌های منحصر به فرد بشر است. به گونه که یکی از وجوه امتیاز و برتری انسان نسبت به حیوان همین قدرت اندیشه‌ورزی و ابداع او می باشد. امروزه گسترش نیازهای جوامع انسانی از یک سو و توسعه بیش از پیش وسایل و امکانات از دیگر سو سبب شده است که انسان‌ها قدم به وادی‌های جدید بنهند و با سبق اندیشه‌ای نسبت به دیگران به نوعی ادعای تملک و تقدم نسبت به برخی تئوری‌های علمی و دستاوردهای نوآورانه خویش نمایند. اما گاهی دیگران بدون در نظر داشت حق تقدم و مالکیت صاحبان ابداع و اندیشه، اقدام به بهره‌وری از دستاوردهای علمی و اندیشه‌ای صاحبان اثر می نمایند که خود به نوعی زمینه ساز تضییع حقوق آنها می باشد. بدین جهت، برخی از نظام‌های حقوق با توصیه و تأکید فلاسفه حقوق نظام‌های تحت عنوان نظام حقوق مالکیت فکری را بنا نهادند تا از این رهگذر حقوق صاحبان اندیشه و ابداع، مورد حمایت و تضمین قرارگیرد. حال سوال این است که نظام حقوقی افغانستان نسبت به حقوق مالکیت فکری چه موضعی دارد؟ و

^۱ - دانشجویی دکتری حقوق خصوصی (mobarez_abt@yahoo.com)

در صورت نقض این حقوق چه تضمین و راه حلی جهت جبران آن پیشنهاد می‌نماید؟ با توجه به نظام مسئولیت مدنی افغانستان از یک سو و با عطف نظر به قوانین مصوب در حوزه حقوق مالکیت‌های فکری از دیگر سو می‌توان گفت نظام حقوقی افغانستان، حقوق مالکیت فکری را مورد حمایت قرارداده است. بنابراین نقض این حقوق می‌تواند موجبات مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد را فراهم سازد.

کلید واژه‌ها: مسئولیت مدنی، نقض، مالکیت فکری، انصاف، افغانستان.

مقدمه

با توجه به این‌که تفکر و تعقل جزء جدایی ناپذیر وجود آدمی است و هیچ وقت انسان از تفکر عاری نبوده و همواره به منظور رفع نیازهای خود از آن بهره می‌گرفته است. از این‌رو موضوع مالکیت فکری که ناشی از هنر و ابتکارات انسان است بحث نوینی نیست. بلکه با پیدایش انسان، مالکیت فکری نیز به وجود آمده است. امروزه در باره اهمیت مالکیت فکری و حفظ آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مباحث فراوانی مطرح است و گسترش ارتباطات از طریق شبکه جهانی اینترنت و قابلیت دسترسی سریع و آسان به تمامی اطلاعات و سوء استفاده برخی افراد از آثار و دستاوردهای دیگران بر اهمیت حفظ این نوع مالکیت و اعتبار آن افزوده است.

بنابراین، یکی از مهم‌ترین مصادیق فعل زیان‌بار (تقصیر) رسانه‌های همگانی، نقض مالکیت‌های فکری است. گاهی آثار علمی، هنری، موسیقی و... دیگری بدون اجازه وی یا منتقل‌الیه حق تکثیر و عرضه یا نمایش، در یکی از رسانه‌های همگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً "فیلمی را که یک

شرکت فیلمبرداری از یک مسابقه ورزشی به صورت انحصاری تهیه کرده است، بدون اجازه دارنده حق پخش، از تلویزیون پخش کنند یا در شبکه اینترنت ارائه نمایند یا یک اثر موسیقی متعلق به موسیقی دان معروفی را برای عرضه یک برنامه مستند تلویزیونی، بدون اجازه آن شخص یا قائم مقام قانونی وی، به کار برند یا طرح یک قالی یا یک بنای عالی بدون اجازه دارنده آن در یکی از رسانه های همگانی منشر شود؛ کتاب یا مقاله یا اثر علمی متعلق به یک نویسنده معروف، بدون اجازه وی یا به نام دیگری یا به صورت تحریف شده، در یکی از رسانه های همگانی پخش شود. (انصاری و همکاران: ۱۳۸۷، ۲۷۳) قانون گذار افغانستان هم در ماده ۴۷ ق.ا و در قوانین مرتبط به مالکیت- های فکری مانند قانون رسانه های همگانی، قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق، قانون ثبت علائم تجاری و قانون حمایت از مخترع و منکشف حقوق مالکیت فکری مطرح نموده و حمایت خود را از آن اعلام کرده است؛ بنابراین در صورت تعرض و تعدی بدانها، مطالبه جبران خسارت و ضررهای وارده موجه و منطقی خواهد بود.

گفتار اول. مفهوم، پیشینه و اقسام حقوق مالکیت های فکری

بند اول. مفهوم و پیشینه حقوق مالکیت فکری

اصطلاح «مالکیت فکری» بیش از یک قرن است که برای توصیف حقوق مالکانه ناشی از تولیدات غیر ملموس فکر بشر استعمال می شود. مبتکر این اصطلاح «پیکار» بلژیکی است. به اعتقاد وی، با توجه به اینکه رابطه میان پدید آورنده یک اثر فکری و اثر او تفاوت هایی با رابطه مالکانه پدید آورنده نسبت

به دیگر اشیاء دارد نمی‌توان از مفهوم مالکیت سنتی برای توصیف آن استفاده کرد. بلکه مالکیت فکری در واقع پدیداری نوعی رابطه مالکانه همساز با رابط مالکانه سنتی می باشد.

گرچه برخی از اندیشه وران حقوق ارائه تعریف واحد از حقوق مالکیت فکری را ناممکن دانسته اند و در باب تبیین مفهوم و ماهیت این نوع حقوق با توجه به مصادیق و عرصه‌های بروز حقوق مالکیت فکری، تعاریف چندگانه ای را مطرح نموده اند (حکمت نیا، ۱۳۸۷، ۳۴) اما به طور کلی می توان گفت؛ منظور از حقوق مالکیت‌های فکری، حقوقی است که ارزش اقتصادی یا معنوی دارد ولی موضوع آن‌ها اشیاء ملموس مادی نیست (انصاری و همکاران، همان، ۲۷۸). به عبارت دیگر حقوق مالکیت فکری مجموعه قواعدی است که باشناسایی حق پدیدآورنده بر پدیده فکری، روابط میان پدیدآورنده، مصرف کننده، تولید کننده و ناشر آن در دو حوزه مهم ادبی و هنری و صنعتی بیان می کند (بای، ۱۳۹۴، ۲۹).

نظام های حقوقی به طور عام و نظام حقوقی افغانستان به صورت خاص نسبت به پذیرش این حقوق اختلافی ندارند؛ تفاوت و اختلاف اما در ساحت تعیین مصادیق، عناوین و مدت آن می باشد که در واقع ریشه این تفاوت ها مبانی و بنیان های تئوریکی است که هر نظام حقوق نسبت به حقوق مالکیت فکری پذیرفته است.

امروزه حقوق مالکیت‌های فکری و معنوی توانسته است به عنوان شعبه‌ای مهم از شعبه‌های علم حقوق خودنمایی کرده و به مثابه ضرورتی انکار ناپذیر درآید. تحول زندگی بشر، تخصصی شدن مشاغل اجتماعی، پیچیدگی روابط

اقتصادی و پیشرفت‌های حیرت‌آور فناوری ارتباطات و رسانه‌های همگانی از جمله عوامل رشد و ارتقای جایگاه این حقوق است. بنابر این، دوران کنونی شاهد گسترش و توسعه مباحث مربوط به حقوق مالکیت‌های فکری است. با وجود این که امروزه کمتر کشوری فاقد قوانین ملی برای حمایت از این حقوق است، بازنگری در کنوانسیون‌های متعدد جهانی مرتبط نیز در دستور کار مجامع حقوقی قرار دارد و تلاش می‌شود تا ضمن اصلاح، تکمیل و به روز کردن این مقررات، الحاق کشورها به آن آسان‌تر شود (اسماعیلی: ۱۳۹۱، ج ۱، ۳۳، ۳۱۹ و ۳۲۰).

تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو) در سال ۱۹۷۴م که به عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد شناخته شد، با هدف «پیشبرد حمایت از مالکیت معنوی در سراسر جهان از طریق همکاری در میان کشورها در صورت اقتضاء با همکاری هر سازمان بین‌المللی دیگر» در همین راستا صورت گرفته است. این سازمان وظیفه دارد تا «ارتقای توسعه تدابیر پیش‌بینی شده برای تسهیل حمایت مؤثر از مالکیت معنوی در سراسر جهان و هماهنگی قوانین ملی در این زمینه» را دنبال کند (بند یک ماده ۳ کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی).

اضافه بر سازمان مزبور، کنوانسیون‌های جهانی متعدد دیگر، نذیر کنوانسیون جهانی کپی‌رایت در سال ۱۹۵۱، کنوانسیون رم در ۱۹۶۱، کنوانسیون ماهواره‌ها در ۱۹۷۴، کنوانسیون «برن» (که پنج بار مورد تجدید نظر

قرار گرفته و آخرین تجدید نظر آن در سال ۱۹۸۸ در پاریس بود)، و موافقت-
نامه جنبه‌های تجاری مالکیت‌های فکری (تریپس) در سال ۱۹۹۴ برای پاسخ
گویی به تحولات و نیازهای جدید در عرصه کپی‌رایت و نقض حقوق
مالکیت‌های فکری به تصویب رسیدند (انصاری و همکاران، همان، ۲۸۹).

به هر حال نه در اسناد معتبر بین‌المللی و نه در تحقیقات و نوشته‌های
حقوقی تعریف جامع و مانعی از حقوق مزبور ارائه نشده و بیشتر به تبیین
موارد و مصادیق آن اکتفا می‌شود. به عنوان نمونه رسمی، می‌توان گفت:
«مالکیت معنوی» شامل حقوق مرتبط با موارد زیر خواهد بود (اسماعیلی:
همان، ۳۲۱ و ۳۲۲):

- ✓ آثار ادبی، هنری و علمی.
- ✓ نمایش هنرمردان بازیگر، صدای ضبط‌شده و برنامه‌های رادیویی.
- ✓ کشفیات علمی.
- ✓ طراحی‌های صنعتی.
- ✓ علائم تجاری، علائم خدماتی، نام‌های تجاری و عناوین.
- ✓ حمایت در برابر رقابت نامطلوب.
- ✓ تمامی حقوقی که فعالیت معنوی در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و
هنری است».

تعریفی که سازمان جهانی از مالکیت فکری (WIPO) نموده
عبارتست از: «مالکیت فکری حقوق قانونی است که افراد به واسطه
فعالیت‌هایی که در زمینه‌هایی از قبیل: صنعتی، علمی، ادبی، هنری و غیره
بدست می‌آورند (<http://en.wikipedia.org/wiki>).

دکتر کاتوزیان، حقوق معنوی را چنین تعریف کرده است: «حقوقی است که به صاحب آن اختیار اجازه می‌دهد تا با انحصار از منافع و شکل خاصی انتفاع از فعالیت و فکر انسان استفاده کند» (کاتوزیان: ۱۳۸۴، ۶۳). همچنین می‌توان گفت که «حقوق مالکیت معنوی در معنای وسیع کلمه عبارت است از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی و ادبی و هنری (میر حسینی: ۱۳۸۴، ۱۹).

و اما در اهمیت مالکیت فکری باید گفت: آنگونه که ساختار نظام قانونی به زندگی فرهنگی و اجتماعی نظم می‌بخشد مقررات و قوانین حق مولف نیز می‌تواند حلقه ارتباطی دنیای افکار و اندیشه‌های انسان باشد. بدون وجود این حق برای آثار مولفان و نویسندگان؛ آن‌ها دیگر اقدام به خلق اثر نخواهند کرد و در بی‌نظمی بوجود آمده، خلاقیت ذهنی انسان به تباهی کشیده می‌شود (اکبری، ش ۶۵، ۱۰۰). از این رو، در قانون مالکیت فکری فرض بر آن است که اندیشه‌های خلاق، هنگامی برانگیخته شده و رشد می‌یابد که صاحبان حق انحصاری اثر، بتوانند از نظر مالی از کار خود بهره ببرند و حقی بر کنترل نسخه برداری از اثر خود را داشته باشند (فصلنامه رسانه، ۱۲۵).

بند دوم. اقسام حقوق مالکیت های فکری

مالکیت‌های فکری در مقطع فعلی، شامل کپی‌رایت، حق اختراع، علایم تجاری، طرح‌های صنعتی و اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری است. و همواره بر تعداد عناوینی که تحت شمول این نوع مالکیت قرار می‌گیرند

افزوده میشود. مالکیت‌های مذکور در دو دسته کلی دسته بندی می‌شوند: مالکیت‌های ادبی و هنری و مالکیت‌های صنعتی.

۱- مالکیت‌های ادبی و هنری: این بخش از حقوق مالکیت‌های فکری به آثار و تولیدات فکری از منظر زیباشناختی نگاه نموده و از ایده‌ها و افکار صورت‌بندی شده یا از شکل و صورت بیان و ابزار ایده‌ها و افکار حمایت می‌کند و نه از نفس ایده‌ها و افکار. بر این اساس، شکلهای مختلف بیان در خصوص یک موضوع واحد همگی از حمایت یکسان برخوردار می‌شوند. زیرا حمایت به شکل تعلق می‌گیرد نه محتوا. اصالت اثر یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات کوبی‌رایت است. اصیل بودن و بیان اثر در یک صورت محسوس، مهم‌ترین ظوابط برای مالکیت‌های ادبی و هنری به شمار می‌رود.

۲- مالکیت‌های صنعتی: موضوع مالکیت‌های صنعتی حمایت از اشیائی است که در صنعت یا تجارت قابل استفاده اند. مانند اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری، نام‌های تجاری و اسرار تجاری. برخلاف مالکیت‌های ادبی و هنری، مالکیت‌های صنعتی به‌خاطر کاربرد و قابلیت استفاده در مقاصد خاص اقتصادی مورد حمایت قرار می‌گیرند. بنابراین می‌توان اختراع را به ایده تعریف کرد که در صدد است یک مشکل فنی را حل کند. این ایده‌ها به دلیل کار برد اقتصادی و نقشی که در توسعه اقتصادی دارند مورد حمایت قرار می‌گیرند. دولت‌ها با طراحی نظام ثبت اختراعات، حقوق انحصاری به مخترعان اعطا می‌کنند. ورقة اختراع، پاداشی است که دولت به یک مخترع

می‌دهد تا از نقش و کمک که او در حل یک مشکل فنی یا صنعتی ایفا کرده است تشکر کند.

طراحی نظام ثبت اختراعات به این معناست که مخترعان طی توافقی با دولت تصمیم می‌گیرند اختراع خود را به اطلاع همگان برسانند و در مقابل، دولت تعهد می‌کند که هیچ شخصی دیگری نتواند بدون رضایت مخترع، اختراع وی را تقلید کند یا مورد استفاده قرار دهد. برای اینکه اختراع قابل ثبت و برخوردار از حمایت‌های قانونی شود باید سه ویژگی (که این ویژگی‌ها در سطح جهانی پذیرفته شده است) را داشته باشد؛

۱. اختراع باید نو بوده و قبلاً شناخته شده نباشد؛

۲. بین و واضح نباشد و از پیچیدگی نسبی برخوردار بوده و عنصر ابتکار و خلاقیت در آن مشهود باشد؛

۳. کاربرد صنعتی داشته باشد.

کفتار دوم. مبنای مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت های فکری

بند اول. نظریه تقصیر

این نظریه مبتنی بر آن است که اگر چنانچه کسی فقط بر اثر تقصیر خویش بر دیگری ضرری وارد نماید، مسئول است که ضرر متضرر را جبران نماید؛ بنا بر این نظریه تنها کسی مسئولیت مدنی دارد که در اعمال و رفتار خویش مقصر شناخته شود در غیر این صورت، هیچ مسئولیتی را نمی‌توان بر عهده ی کسی گذاشت، و باری را بر دوش او نهاد؛ یعنی در صورتی مسئولیتی مدنی

پدیدار می‌گردد، که رابطه‌ی علیت بین تقصیر شخص و فعل زیانبار به وجود بیاید و گر نه نمی‌توان مسئولیتی بر دوش عامل زیان نهاد.

با توجه به این نظریه، زیان‌دیده باید اثبات کند که عامل زیان در ورود ضرر به زیان دیده تقصیر داشته تا بتواند جبران خسارت خویش را از او مطالبه نماید و گرنه زیان دیده نمی‌تواند جبران خسارت خود را از عامل زیان بخواهد؛ در واقع بر مبنای این نظریه، زیان دیده نقش مدعی را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۶۸) و باید اثبات کند که عامل زیان تقصیر داشته است و نه دادخواهی او ره به جایی نمی‌برد.

دلیل پیروان نظریه‌ی تقصیر مبنای اخلاقی آن است، یعنی شخص آنگاه محکوم است که از لحاظ اخلاقی کاری را انجام دهد که مذموم باشد، و تقصیری داشته باشد، و گرنه در صورتی که رفتار شخص، خلاف اخلاق نباشد نمی‌توان او را ملزم به جبران خسارت و تاوان نمود. پلنیول می‌گوید: «هر جا که مسئولیت بی تقصیر پذیرفته می‌شود یک بی عدالتی اجتماعی رخ می‌دهد؛ این حکم در حقوق مدنی همانند این است که در حقوق کیفری بی گناهی مجازات شود» (همان، ۶۷).

از اواخر قرن ۱۹ نظریه‌ی تقصیر کم‌کم جاذبه‌ی اخلاقی خود را از دست داد و این نظریه رو به افول نهاد، زیرا با گسترش صنعت و فراگیر شدن جهان صنعتی از یک طرف طبقه‌ی کارگر و مصرف‌کننده نمی‌توانست تقصیر کارفرما و تولیدکننده را اثبات کند و از جانب دیگر اگر زیان این دو قشر ضعیف جامعه جبران نمی‌شد، حقوق که باید برای گسترش عدالت می‌بود در سایه‌ی آن نوعی بی عدالتی محقق می‌شد، زیرا زندگی صنعتی جدید موجب شده بود که سودهای کلان به جیب کارفرمایان و تولیدکنندگان برود ولی نکبت زیان، بر شانه‌های طبقه‌ی کارگر و مصرف‌کننده سنگینی نماید؛ همچنین در حوادث رانندگی اثبات تقصیر خیلی سخت بود و در پاره

ای از موارد هم که تقصیری در این حوادث اثبات می شد، مقصر توانایی جبران خسارت را نداشت؛ با توجه به این فراز و نشیب های ناهموار بود که نظریه ی تقصیر جای خود را به نظریه ی ایجاد خطر دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۵) در نظام مسئولیت مدنی افغانستان نظریه تقصیر در مواد مختلف مورد تأکید قرار گرفته است که می توان به مواد ۲۰ و ۵۰ ق. ترافیک جاده ای، م ۴۶ ق. تنظیم ترانسپورت، م ۵۶۲ کد جزا، م ۴ ق. ت، م ۷۷۶، ۷۹۷، ۷۹۵ ق. م اشارت کرد. اما در قوانین مربوط به حقوق مالکیت های فکری اشاره ای به تقصیر و خطر نشده است بلکه فقط از لزوم جبران خسارت و ضرر، سخن به میان آمده است. با توجه به قانون عام و سایر قوانین می توان گفت که این نظریه در نظام حقوقی افغانستان به صورت عام و حقوق مرتبط به مالکیت فکری به صورت خاص، یکی از مبانی توجیه کننده مسئولیت مدنی می باشد.

بند دوم. نظریه خطر

این نظریه در پی آن است که اگر کسی خطری را ایجاد کند و از این رهگذر شخص یا اشخاصی آسیب ببینند، به ویژه آنکه برای رسیدن به سود و منفعت به فعالیتی پردازد و یا محیط خطرناکی را به وجود بیاورد و در نتیجه شخص یا اشخاصی از این طریق مغبون شود و آسیب ببینند، پدید آورنده محیط خطرناک و عامل فعالیت سودآور، باید به جبران خسارت زیان دیده ملزم شود؛ زیرا همان شخصی که محیط خطرناک را ایجاد نموده است یا فعالیتی را به قصد رسیدن به سود شروع کرده است، از این رهگذر سود کلانی نصیبش می شود، پس باید جبران خسارت زیان دیده از اعمال خویش را نیز به جان بخرد. افزون برآن با حذف تقصیر از ارکان مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده، به راحتی امکان پذیر می شد و دیگر کسی قربانی منافع ثروتمندان و زراندوزان و خود خواهی آنان نمی شد.

انتقاد از نظریه خطر

با گذشت زمان، نظریه خطر نیز همانند نظریه تقصیر با اشکالاتی مواجه شد که این اشکالات موجب شد تا این نظریه نیز رنگ و لعاب خود را از دست بدهد و پایه‌های آن رو به سستی نهد؛ منتقدان این نظریه بر این باورند که جایگزین کردن نظریه خطر به جای نظریه تقصیر، دادرسی را آسان که نمی‌کند هیچ بلکه به گره آن می‌افزاید؛ زیرا در صورت اعمال نظریه تقصیر ما فقط به دنبال تقصیر عامل زیان و اثبات آن هستیم ولی درجایی که ما قائل به نظریه‌ی خطر شویم باید همه‌ی اسباب و علل را بررسی نماییم، بنا بر این نمی‌توان ادعا کرد که اجرای نظریه‌ی خطر موجب سهولت در امر دادرسی می‌گردد. همچنین قائلین به این نظریه به این استناد کرده بودند که چون عامل ایجاد خطر از این رهگذر سودی وافر شامل حالش می‌شود بنا براین باید خسارت زیان دیده را نیز بکشد، پاسخ مخالفان این نظریه این است که هیچکس برای زیان دست به فعالیتی نمی‌زند بلکه باید در فعالیت خود سودی را در نظر داشته باشد، در ضمن اگر فردی را در چنبره‌ی حقوق و قانون چنان محصور کنیم که هیچ نوع جرئت و جسارتی برای فعالیت اقتصادی و صنعتی نداشته باشد، این امر موجب رکود و عقب ماندگی فرد و جامعه می‌شود، و چرخ زندگی همگان معطل می‌ماند. علاوه بر آن ممکن است در مواردی طرف دست به فعالیتی بزند ولی در عین حال سودی هم عایدش نشود بلکه ضرر نیز بکند، در این صورت علاوه بر تحمل ضرر خسارت زیان دیده‌ی از فعالیت خویش را نیز بپردازد. قانونگذار افغانستان مواد متعددی را به این نظریه اختصاص داده است (م ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۵۹ و ۷۶۶ ق.م و م ۵۶۲ کد جزا) که نشان از جایگاه ویژه این نظریه در نظام مسئولیت مدنی افغانستان دارد اما قانون مربوط به حقوق مالکیت فکری

توجهی به مبانی مسئولیت مدنی نکرده است. شاید قانونگذار باوجود مواد متعددی قانون مدنی و سایر قوانین، نیازی به تکرار آن ندیده باشد.

بند سوم. نظریه تضمین حق

این نظریه که توسط ((بوریس استارک)) دانشمند فرانسوی مطرح شده است در پی آن است که به جای مقصر نشان دادن عامل زیان یا بررسی خطر هایی که از جانب او به وقوع پیوسته است، در پی جبران ضررهایی باشد که انجام شده است، و همت خود را بر تضمین حقوق از دست رفته ی زیان دیده گمارده است. ایشان اینگونه بیان می دارد که هرکس در جامعه حق دارد که با رفاه و آسایش زندگی کند و امنیت نیز از حقوق اولیه ی اوست؛ قوانین و مقررات نیز باید از حقوق این افراد حمایت کند و تضمین لازم را برای جبران حقوق و منافع از دست رفته ی او بدهد و عامل ضرر را بر جبران ضرر مکلف نماید(قاسم زاده: ۱۳۸۹، ۱۷۵). به عبارت روشن تر، نظریه تضمین حق در صدد بیان این مطلب است که در حیات اجتماعی و حقوقی انسان ها، جان و مال آنها از تعرض و تعدی در امان می باشد. بنابراین؛ هرکسی حق دارد آزادانه به استیفای حقوق خویش بپردازد و از این رهگذر محدودیتی ندارد و در مواقعی که استیفای حق ملازم ایراد ضرر به دیگران باشد، ذی حق مسئولیتی ندارد(عباسلو: ۱۳۹۴؛ ۲۷) اما در جایی که او قادر است به گونه ای حق خود را استیفا نماید که به دیگران ضرری وارد نگردد، ملزم به رعایت همه جوانب می باشد و در این صورت اگر به دیگران ضرر و خسارتی وارد آید، فاعل زیان مسئول می باشد.

گرچه در نظام مسئولیت مدنی افغانستان به صورت عام و قوانین ناظر به مسئولیت ناشی از نقض حقوق مالکیت های فکری به طور اخص صراحتاً در مورد پذیرش یا عدم پذیرش نظریه تضمین حق سخنی به میان نیامده

است اما می‌توان گفت مواد ۷۵۸ و ۹ ق.م به نوعی ناظر به این نظریه می‌باشد. براساس این دو ماده استیفای حق زمانی موجب مسئولیت مدنی است که یا از حدود آن تعدی شود یا اینکه استیفای حق وسیله اضرار به دیگری قرار گیرد. در حوزه حقوق مالکیت‌های فکری نیز می‌توان گفت دیگران نمی‌توانند به گونه‌ای رفتار کنند که نسبت به این دسته از حقوق تعدی و تجاوز صورت پذیرد. بنابراین؛ اگر کسی بدون در نظر داشت اصول رفتار متعارف و معقول، اضرار به حقوق مالکیت‌های فکر دیگران وارد نماید، باتوجه به نظریه تضمین حق مسئول جبران خسارات وارده می‌باشد. اما از آنجایی که دقت نظر در مواد مذکور نقش تقصیر را در اثبات مسئولیت مدنی به اثبات می‌رساند، می‌توان گفت از منظر نظام مسئولیت مدنی افغانستان، نظریه تضمین حق نمی‌تواند به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی به شمار رود. زیرا اولاً ماده ۹ ق.م بیشتر با نظریه تقصیر همساز است و ثانیاً ماده ۷۵۸ ق.م هم با نظریه خطر و فرض تقصیر سازگاتر به نظر می‌رسد تا نظریه تضمین حق.

بند سوم. نظریه مختلط

نظریه ی مختلط زمانی مطرح شد که هر کدام از نظریات تقصیر و خطر در کارایی و کار آمدی خویش دچار نقصان شدند و در نتیجه طرفداران هر دو نظریه، نظریه ی خویش را در کنار نظریه ی رقیب کامل و تام می‌دید و بدون آن احساس نقص و کمبودی می‌کرد. به عنوان مثال مازوها که یکی از طرفداران سر سخت نظریه ی تقصیر است، معتقد است که در برخی

موارد می توان، مسئولیت مدنی بر مبنای نظریه ی خطر را پذیرفت؛ اما در مقابل ژوسران، که یکی از طرفداران نظریه ی خطر است معتقد است که مسئولیت مدنی ناشی از عمل شخص مبتنی بر تقصیر است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۵۲)

باتوجه به اینکه در حقوق خارجی هریک از نظریه ی تقصیر و خطر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی مورد قبول واقع شده است، اما طرفداران هر کدام از نظریات بر توسعه ی قلمرو نظریه ی خود پرداخته و آن را به عنوان اصل بر مبنای مسئولیت مدنی القا نموده اند و نظریه ی مقابل را به صورت استثنایی قابل اعمال دانسته اند ولی با توجه به اینکه هر کدام را به عنوان اصل بگیریم و دیگری را به صورت استثنایی اعمال نماییم نیز با اشکالاتی مهم رو برو خواهیم شد. از جمله ی آن اشکالات این است که اگر در مبنای مسئولیت مدنی، اصل را بر تقصیر بدانیم، نظریه ی خطر باید در جایی اعمال شود که هیچ تقصیری وجود نداشته باشد، در صورتی که در رابطه ی کارگر و کارفرما در جایی که کارگر تقصیر هم داشته باشد، کارفرما را بر مبنای نظریه خطر مسئول جبران خسارت می دانند.

با توجه به بیان نظریات مزبور و اشکالاتی که بر هر یک وارد است به نظر می رسد که هر یک از نظریات فوق فقط برخی از موارد مسئولیت مدنی را پوشش می دهد و دست شان از دامن موارد دیگر، کوتاه است؛ این نابسامانی و نارسایی مربوط به این است که حوزه ی حقوق به صورت عام و حوزه ی مسئولیت مدنی به صورت ویژه، موارد متفاوت و متعددی را در

بر می‌گیرد که ممکن است حکم هر مورد، با بقیه تفاوت بسیاری داشته باشد؛ از این رو نمی‌توان برای تمامی افراد آن، قبای یکسان دوخت، بلکه باید در هر مورد شرایط و اوضاع و احوال مورد نظر را بررسی قرار داد و بر حسب آن حکم نمود، ولی در هر مورد تاجایی که امکان دارد، باید بر مسئولیت مدنی عامل زیان، صحنه گذاشت.

در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت‌های فکری نیز قضیه بدین گونه است. چه؛ آنچه از نظر قانونگذار افغانستانی مورد اهمیت و تأکید می‌باشد همانا حمایت و تضمین حقوق صاحبان حرف و اندیشه است. بنابراین؛ در صورتی که تعدی و یا تجاوزی نسبت به این حقوق شود، باتمسک به اصل لزوم جبران خسارت و زیان به راحتی می‌توان حکم به مسئولیت فاعل زیان داد؛ حال فرق نمی‌کند که توجیه‌کننده این حکم نظریه خطر باشد یا تقصیر و یا سایر تئوری‌های مطرح در این باب. اما تتبع و بررسی‌ها در مواد قانونی حاکی از آن است که در نظام مسئولیت مدنی افغانستان نظریه خطر و تقصیر جایگاه ویژه‌ای دارد. در نتیجه در بسیاری موارد و از جمله در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری می‌توان مسئولیت مدنی را با تمسک به این دو نظریه موجه و منطقی دانست.

**کفتار سوم. ارکان مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت‌های فکری
بنداول. وجود ضرر**

یکی از ارکان مسئولیت مدنی وجود ضرر می باشد. گرچه ضرر در لغت به معنای ضد نفع و سوء حال به کار رفته است اما در اصطلاح حقوقی ضرر به هر گونه صدمه ای اطلاق می شود که کسی به ناروا بر مال یا جسم یا حیثیت و عواطف دیگری وارد می آورد (حیاتی، ۱۳۹۲؛ ۹۶). بنابراین؛ برخی از حقوقدانان متعلق ضرر را به سه دسته حقوق مالی، نفس و حقوق غیر مالی تقسیم نموده اند (نصر آبادی، ۱۳۹۲؛ ۲۶). به هر حال رکن بودن ضرر در مسئولیت مدنی بدان معناست که نظام مسئولیت مدنی در صورتی الزام به جبران خسارت را موجه و منطقی می داند که ضرری به شخص مدعی وارد شده باشد. این امر در مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت های فکری نیز وجود دارد. بنابراین؛ زمانی که فاعل زیان با نقض حقوق مالکیت فکری دیگران، خسارات و ضررهای متوجه کسی که دارای مالکیت فکری می باشد، نماید؛ براساس نظام حقوقی افغانستان ملزم به جبران خسارت و زیان های وارده می باشد. چه قانونگذار کشود در ماده ۷۷۸ ق. م به صراحت بر لزوم جبران خسارات معنوی تأکید ورزیده است.

بند دوم. فعل زیانبار

لزوم وجود فعل زیانبار از مفاهیمی است که حقوقدانان در حوزه مسئولیت مدنی مطرح نموده اند و آن را یکی از ارکان مهم و بنیادین الزامات خارج از قراردادها تلقی می نمایند. گرچه از عنوان «فعل» ممکن است این

تصور پدید آید که زمانی یک عمل منجر به مسئولیت مدنی می‌گردد که مثبت باشد و در صورتی که عملی جنبه منفی و عدمی داشته باشد نمی‌تواند مسئولیت مدنی را پدید آورد. اما با توجه به مواد قانونی مختلف و اصول مسئولیت مدنی می‌توان گفت به همان میزانی که انجام فعل زیانبار در ایجاد مسئولیت مدنی مهم و نقش آفرین است، ترک فعل هم می‌تواند موجب تحقق مسئولیت مدنی گردد. بنابراین؛ اگر ترک فعل موجب خسارت شود می‌تواند عنوان فعل زیانبار را داشته باشد و از این جهت الزامات خارج از قرارداد را فراهم سازد. بدین ترتیب اگر کسی که قانوناً ملزم به حمایت از حقوق مالکیت فکری دیگران در حوزه نشر و انتشار باشد اما این وظیفه قانونی خود را ترک نماید (نصرآبادی: ۱۳۹۲؛ ۲۲) و از این رهگذر به صاحب حق ضرر و خسارت‌های متوجه گردد؛ براساس اصول نظام مسئولیت مدنی و مواد قانونی مسئول می‌باشد (مستنبط از ماده ۳۰ قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق).

بند سوم. رابطه سببیت

یکی دیگر از ارکان و عناصر مسئولیت مدنی، لزوم رابطه‌ی سببیت بین فعل زیانبار و زیان حاصل از آن است بگونه‌ی که از وجود فعل زیانبار، وجود زیان و از عدم آن عدم زیان لازم آید. بنابراین، اگر در موردی فقط یک عامل واحد و حادثه‌ی واحد، موجب زیان شده باشد در این صورت

مسئله سهل و آسان است و به تبع آن حکم مسئله نیز واضح و روشن است؛ اما مشکل در جایی است که عوامل و حوادث متعدد در ایجاد یک خسارت نقش داشته باشد، بدین جهت است که یکی از پیچیده ترین مباحث مسئولیت مدنی بحث رابطه‌ی سببیت بین ضرر و فعل زیان بار است که با توجه به اینکه در مسئولیت های ناشی از نقض مالکیت های فکری ممکن است بعضا چند عامل مداخله داشته باشند، نظریات مطرح درباب تعیین اسباب مسئول از یک سو و میزان مسئولیت آنها از سوی دیگر مورد توجه حقوقدانان می باشد.

با توجه به مواد قانونی می توان گفت نظام حقوقی افغانستان در صورت تعدد و تداخل اسباب سخن از مسئولیت هردو عامل به میان می آورد(م ۷۶۴ق.م) و نسبت به تعیین میزان خسارت نیز اصل را بر تساوی عوامل زیان می داند مگر اینکه امکان تسهیم مسئولیت وجود داشته باشد که در این گونه موارد مسئولیت ها بر اساس میزان تقصیری که عوامل مرتکب شده اند، تقسیم می شود. (مستنبط از ماد ۷۸۹ ق.م) گرچه در قوانین مرتبط به حقوق مالکیت های فکری به این مسائل پرداخته نشده است اما با عطف نظر به مبانی و اصول حاکم بر نظام مسئولیت مدنی افغانستان می توان گفت نظریات مزبور در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت های فکری نیز قابل طرح می باشند.

گفتار چهارم. شیوه های جبران خسارات ناشی از نقض حقوق مالکیت های

فکری

همانگونه که بیان شد جبران ضرر و خسارت منحصر به ضرر مادی نیست امروز جبران خسارت در ضررهای معنوی و حقوق مالکیت فکری از هر زمان دیگر بیشتر احساس می شود؛ لذا علیرغم نقدهای زیادی که به قابل جبران بودن خسارات معنوی از طرف دانشمندان حقوق مطرح شده، قانونگذار کشور به لزوم جبران خسارت های معنوی تأکید کرده است (م ۷ ق. رسانه های همگانی، بند ۱ م ۷۷۸ ق.م، م ۶ و ۹ ق. حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق). در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران نیز آمده است: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخص یا خانوادگی او لطمه وارد می شود، می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید گرچه درخصوص شیوه های جبران خسارت و راههای عملی آن نصوص صریح و قابل اجرای نداریم» (حسن افشار، ص ۱۱۷).

علاوه بر حمایت های اخلاقی از حقوق مالکیت فکری، در گذر زمان نظام های حقوقی وجود حقوق مالکیت فکری قوی و مستحکم را بیش از پیش احساس کردند. زیرا بدون وجود چنین نظامی صاحبان اندیشه قادر به جبران هزینه ناشی از فعالیت های فکری نخواهند بود (کریستن لنگ، نیلز هوپ، و روبرتو اندرنو، ترجمه: عبیری، ۱۹۵). لذا در صدد حمایت حقوقی

و قانونی از حقوق مالکیت های فکری برآمده اند و در این راستا نسبت به جبران خسارات ناشی از نقض این حقوق اهتمام ویژه دارند. اصل لزوم جبران خسارات های وارده از اصول مسلم (صفایی، ذاکری نیا: ۱۳۹۴، ۲۶۶) و بنیادین در حوزه حقوق می باشد.

خسارات معنوی به طور کامل قابل جبران نیست، آیا معنویات را می توان با معیار های مادی ارزیابی کرد؟ رغم از دست رفتن فرزند برای مادر چقدر ارزش مالی دارد؟ بنابر این هدف از صدور حکم به پرداخت های مال در زیان های معنوی تأمین خرسندی های معنوی و تسکین آلام روحی است به بیان دیگر پولی که از این بابت داده می شود جبران کننده نیست، خشنود کننده است» پروین: ۱۳۷۹، ص ۱۷۷.

اما سوال اساسی این است که شیوه جبران خسارت معنوی چگونه می باشد؟ برای دریافت پاسخ صحیح باید نوع خسارت معنوی مورد بررسی قرار بگیرد باید ارزیابی شود که چطور زیان دیده به حیثیت قبل از ورود ضرر بر می گردد از همین جهت در قانون مدنی نحوه جبران خسارت معنوی را با توجه به اوضاع و احوال به نظر قاضی موکل نموده است.

چون انواع مختلف خسارت معنوی به یک شیوه قابل جبران نیست، در هر مورد برحسب نوع زیان شرایط انتخاب می شود. زیان دیده و عامل زیان، اوضاع و احوال حاکم بر پرونده و عوامل دیگر شیوه ی جبران خسارت بوسیله دادگاه «سلطانی نژاد: ۱۳۸۰، ص ۳۱۵» با توجه به مطالب فوق شیوه جبران خسارت به یکی از این شکلها صورت میگیرد:

۱- اعاده ی وضع یا بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت پیش از وقوع

خسارت

۲- پرداخت غرامت یا جبران خسارت از راه دادن معادل

۳- خسارت اسمی «همان، ۳۱۶»

۱- جبران خسارت از طریق اعاده وضع

برگرداندن زیان دیده به وضعیت قبل از وارد شدن خسارت به طوریکه هیچ اثری از خسارت وارد شده باقی نماند، بهترین و کامل ترین روش جبران خسارت می باشد چه در خسارت های مادی و چه در خسارت های معنوی اما در خارج به ندرت اتفاق می افتد که شرایط زیان‌دیده به وضعیت سابق به صورت کامل برگردد و هیچ اثری از زیان در او باقی نماند، مخصوصاً در خسارت های معنوی برگرداندن به شرایط قبل با مشکلات بیشتری روبرو می باشد. به هر حال این روش بهترین نوع جبران خسارت می باشد و دادگاه می توان برای جبران خسارت این شیوه را انتخاب کند به عنوان مثال هرگاه در اثر حادثه ی یکی از اعضا مصدوم قطع یا دچار جراحت شود و یا در اثر ضربه وارده چشم یا بینی یا شکل ظاهری (دندان یا چهره یک زن تغییر یابد) در صورت که امکان معالجه کامل و پیوند عضو یا ترمیم چشم و بینی یا اصلاح ساختار بدنی و یا ترمیم چهره زن وجود داشته باشد، جبران واقعی خسارت به این است که حکم به معالجه یا ترمیم داده شود، پولی که عامل زیان می پردازد به عنوان معادل یا جبران کننده زیان باقیمانده نیست بلکه به

منظور معالجه یا جراحی و ترمیم عضو بدن فرد و بازگرداندن او به حالت پیشین است یا در صورتی که بر شخصی از طریق آگهی یا انتشار مطلب در روزنامه توهین شود، تکذیب مطلب عنوان شده از همان طریق و یا عذرخواهی و یا در تمجید زیان‌دیده سخن گفتن و اعاده‌ی حیثیت می‌تواند اعاده‌ی وضع محسوب شود.» (همان، ۳۱۸).

در مورد حقوق مالکیت‌های فکری نیز این قاعده ساری و جاری است به این ترتیب که اگر احیاناً کسی از طریق رسانه‌های همگان به نوعی اقدام به انتشار نشر اکاذیب نماید و از این رهگذر نسبت به حقوق معنوی و مالکیت فکری شخصی آسیبی وارد شود، او می‌تواند از طریق مجبور کردن فاعل زیان به عذرخواهی در رسانه همگانی، اقدام نماید و یا خود از طریق همان رسانه پاسخ دهد (م ۷ ق. رسانه‌های همگانی). البته اگر ضررهای مالی هم متوجه او شده باشد می‌تواند جبران آنها را از محکمه مطالبه نماید.

۲- پرداخت غرامت یا جبران از راه دادن معادل

لازمه‌ی مسئولیت مدنی واردکننده زیان برگرداندن زیان‌دیده به شرایط قبل از وقوع خسارت می‌باشد اما با توجه به عدم امکان اعاده‌ی وضعیت در بسیاری از موارد شیوه‌ی دیگری را برای جبران نسبی یا ناقص برگزیده‌اند، پرداخت غرامت یا دادن پول یا هر نوع مال دیگر و یا انجام فعل و یا ترک فعلی که به داور عرف جایگزین مناسب و عادلانه‌ی برای خسارت وارده است برای تسلی خاطر زیان‌دیده، پیشنهاد شده است. جبران خسارت از طریق دادن معادل از مهم‌ترین شیوه‌های پذیرفته شده نظام مسئولیت

مدنی بسیاری از کشورها می باشد (حاجی عزیز، ۱۳۸۰، ۶۸) که نظام حقوقی افغانستان را نمی توان از این قاعده استثنا کرد. با توجه به اینکه ممکن است ضررها ناشی از نقض مالکیت های فکری همیشه جنبه ای مالی نداشته باشد؛ می توان گفت که خسارات این حوزه را می توان با دو روش ذیل مطالبه نمود.

۱. از طریق مالی: از آنجای که تعیین میزان خسارت و طریقه و کیفیت جبران آن برحسب اوضاع و احوال به نوع زیان، وضعیت طرفین، شرایط مکان و زمان برعهده دادگاه است بر حسب مورد با رعایت اوضاع و احوال دادگاه می تواند عامل خسارت معنوی را محکوم به پرداخت مبلغ معین پول به طور نقدی یا به صورت قسط یا مال معین دیگر اعم از عین ومنفعت، نماید.

در تقویم خسارت معنوی به امور مالی باید ملاکهای گوناگونی چون نوع، میزان و شدت خسارت، نقش خسارت دیده، عامل خسارت و شخصیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی طرفین مورد توجه قرار گیرد «همان، ۳۲۰»

۲. جبران از طریق غیرمالی یا معنوی: در مواردی نوع خسارت وارده و شرایط زیان دیده یا عامل خسارت اقتضا می کند که جبران آنها به طریق غیر مالی باشد، حکم به عذرخواهی ممکن است در مورد انتشار مطالب خلاف واقع و یا استهزاء شخصی، وسیله ی برای جبران نسبی خسارت یا تشفی خاطر و تسکین زیان دیده باشد «همان، ۳۲۱». ماده ۷ ق. رسانه ها همگانی کشور در این زمینه آورده است «۱. هر شخص حقیقی یا حکمی که

از ناحیه یک راسنه همگانی مورد تعرض قرار گرفته، شخصیت، اعتبار یا منافع مادی آن متضرر شود، حق دارد جواب رد آن را در عین رسانه بدهد» براساس این ماده قانونی و مواد دیگر می توان گفت که در مواردی که ضرر صرفاً جنبه معنوی و حیثیتی دارد، یکی از راههای جبران آن عذرخواهی می باشد و راه دیگر دادن فرصت دفاع به متضرر است که قانونگذار به خوبی بدان پرداخته است.

۳-روش خسارت رسمی یا نمادین

هرگاه خسارت واردشده غیر قابل جبران باشد و یا میزان ضرر قابل توجه نباشد و یا زیان وارده قابل اثبات نباشد و یا این که زیاننده لطمه های وارده بر حیثیت و اعتبار خویش را نخواهد با اعطای معادل مالی جبران کند، دادگاه حکم به جبران خسارت رسمی یا نمادین صادر می کند، در این روش زیاننده به دنبال جبران ضرر و زیان معنوی نیست بلکه صرفاً پیروزی برفاعل زیانکار راجستجو می کند «افشار، پیشین، ۱۸۵».

نتیجه گیری

با توجه به بررسی های انجام شد می توان گفت نظام حقوقی افغانستان با تدوین و پایه گذاری حقوق مالکیت فکری در صدد است که قاطعانه از حقوق اشخاص و افرادی که در این حوزه فعالیت می کنند، حمایت نماید. گرچه در قوانین مصوب مرتبط با حقوق مالکیت های فکری به مبانی

مسئولیت مدنی ناشی از نقض این حقوق پرداخته نشده است اما اصل جبران و مطالبه خسارات‌های وارده را مورد تأکید قراردادده است که در متن مقاله مورد بررسی قرار گرفت. مبانی مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت‌های فکری را می‌توان با عطف نظر به مبانی کلان نظام مسئولیت مدنی کشور استنباط و اثبات نمود.

به نظر می‌رسد آنچه در حوزه حقوق مالکیت فکری مطمح نظر قانونگذار کشور می‌باشد این است که حقوق صاحبان حرف و اندیشه مورد تعدی و تجاوز قرار نگیرد. بنابراین؛ اگر کسی با تقصیر یا با ایجاد خطر، زمینه تضییع حقوق این اشخاص را فراهم سازد، مسئول جبران خسارت خواهد بود. لذا نمی‌توان یک نظریه واحد در باب مبنای مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت‌های فکری ارائه کرد بلکه بسته به مورد می‌توان مسئولیت را بر اساس یکی از نظریات مطرح در نظام حقوقی افغانستان توجیه و تحلیل کرد.

درباب جبران‌ها نیز قانونگذار کشور بر لزوم جبران خسارات معنوی تأکید می‌نماید و این امر را هم در قانون مدنی و هم در قوانین مرتبط به حقوق مالکیت‌های فکری به کرات مورد تأکید اکید قراردادده است. با توجه به نظام حقوقی افغانستان و اصول پذیرفته شده، شیوه‌های جبران‌ها در

حقوق مالکیت فکری به صورت عذر خواهی و یا پرداخت خسارات مالی می باشد که در متن به خوبی بدان ها پرداخته شد.

فهرست منابع

۱. سماعیلی، محسن، گفتارهای در حقوق رسانه، ج ۱، تهران، نشر شهر، چ اول، ۱۳۹۱.
- افشار، حسن، مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران، مجد، چ اول، ۱۳۹۴.
۲. اکبری، علیرضا، فصلنامه کتاب، "حق مولف در اینترنت" شماره ۶۵، بهار ۱۳۸۵.
۳. انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چ ۲، ۱۳۸۷.
۴. بای، حسینعلی، مباحثی از مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، ۱۳۹۴.
۵. پروین، فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران، ققنوس، چ اول، ۱۳۷۹.

۶. حاجی عزیزی، بیژن، روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، ش ۳۶، ۱۳۸۰.
۷. حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ دوم، ۱۳۸۷.
۸. حیاتی، علی عباس، حقوق مدنی (۴) مسئولیت مدنی، تهران، میزان، ۱۳۹۲، چ اول.
۹. سلطانی نژاد، هدایت الله مسئولیت مدنی خسارت معنوی، تهران، نورالتفلین، چ اول، ۱۳۸۰.
۱۰. صفایی، حسین، ذاکری نیا، حانیه، بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی غیرقراردادی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ش ۲، ۱۳۹۴.
۱۱. عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، تهران، میزان، ۱۳۹۴، چ دوم.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، (مسئولیت مدنی)، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۸۲.
۱۳.اموال و مالکیت، تهران، انتشارات میزان، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۶.

۱۴.، وقایع حقوقی و مسئولیت مدنی، تهران، دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۸۸.

۱۵. لنگ، کریستین، هوپ، نیلز، اندور نو، روبرتو، اخلاق و حقوق مالکیت فکری؛ مباحث جاری در حوزه سیاست گذاری، علم و تکنولوژی، ترجمه: ارمغان عبیری، تهران، میزان، چ اول، ۱۳۹۳.

۱۶. میر حسینی، سید حسن، مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران، میزان، چ اول، ۱۳۸۴.

۱۷. نصر آبادی، مصطفی، مسئولیت مدنی نقض حقوق ناشی از آثار ادبی و هنری، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۲، چ اول.

۱۸. نظریه آزادی مطلق اطلاعات مسأله پخش مستقیم تلویزیونی با ماهواره در حقوق بین الملل عمومی»، فصلنامه رسانه سال هفتم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۵.

۱۹. http://en.wikipedia.org/wiki/Intellectual_property

۷

۲۰. قانون اساسی

۲۱. قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند و محقق

۲۲. قانون رسانه های همگانی

۲۳. قانون مدنی

۲۴. قانون ترافیک جاده

۲۵. قانون تنظیم ترانسپورت

۲۶. کد جزا

۲۷. قانون تجارت

۲۸. کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی.